

مقدمه

درباره تاریخچه ضبط و علامت گذاری قرآن و همچنین تاریخچه کاری که در مرکز نشر در این زمینه انجام شده است، مطالبی خدمت شما عرض کنم. در اواخر سال ۷۳، جمعی از استادان و معلمان قرآن کریم گرد هم آمدند تا بنابه دستور مقام معظم رهبری، قرآنی را آماده کنند. در آغاز گمان می شد این قرآن خیلی سریع آماده شود. بنابراین اسم پروژه، روی کار گذاشته شد. ولی کم کم که کار جلو رفت، متوجه شدیم به این آسانی ها نیست. جمع تصمیم گرفت، قرآنی که تهیه می شود آموزشی باشد و شیوه کتابت آن با سایر مصحف های که در بازار هستند، فرق داشته باشد و قرائت آن نیز ساده تر باشد. ابتدا همین هدف کلی را داشتیم و این که چنین قرآنی چه ویژگی هایی باید داشته باشد، در ادامه برایمان مشخص شد.

مطالبی که در این جا تقدیم

شما خوانندگان گرامی می شود، خلاصه

گزارش مرکز طبع و نشر

قرآن کریم درباره تاریخچه و سیر

مراحل تهیه و تدوین

قرآن جدید است که توسط جناب آقای

کریم دولتی در همایش شیوه نوین

نگارش قرآن کریم در جمع تعدادی از

معلمان شهر تهران ارائه شده است.

گام اول

اولین قدم این بود که با توجه به جدید بودن کار در ایران، قرآنی به عنوان الگو برای کل کار در نظر گرفته شود تا هر کاری که قصد انجام آن را داشتیم، روی قرآن الگو انجام دهیم. با توجه به رواج مصحف های خط عثمان طه و ویژگی هایی که این خط داشت، قرار شد از این مصحف به عنوان الگو استفاده شود و برای ساده تر شدن کار، خط عثمان طه به صورت رایانه ای طراحی شود. از همان جا کار را آغاز کردیم.

شیوه اعراب گذاری

موضوع دیگری که مدنظر قرار دادیم، این بود که هم در اعراب گذاری و هم در حروف کار عجیب و غریب نباشد و در کار، نوآوری و ابداع نکنیم. در واقع، از همان روشی استفاده کنیم که در قرآن های رایج متداول است. ما دو قسم کتابت قرآن داریم: یکی «رسم المصحف»، دیگری «ضبط» که عبارت است از علامت گذاری حروف و کلمات قرآن و استفاده از علاماتی مثل: فتحه، کسره، ضمه، سکون، تنوین، تشدید و...

کار را با ضبط شروع کردیم نه با رسم و نیز ابتدا از همان از رسم الخط عثمان طه؛ به خاطر ظرافت های آن استفاده کردیم. اهل سنت روی لغت حساسیت فوق العاده ای دارند، ولی این حساسیت را درباره ضبط ندارند. وقتی به قرآن های کشورهای اسلامی و عربی نگاه می کنیم، تقریباً از نظر لغت هماهنگی دارند، اما از نظر

گزارشی از

تاریخچه ضبط و علامت

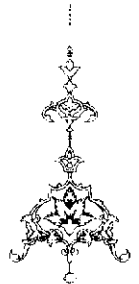


علامت گذاری این طور نیست. بنابراین دست ما هم باز بود. پس تصمیم گرفتیم، اول با ضبط آغاز کنیم و سپس رسم المصحف. به این منظور و با توجه به این که حکم شرعی در این مورد وجود نداشت - نه از سوی علمای شیعه و نه اهل سنت - برای رسیدن به روشی که باعث سادگی قرائت قرآن شود، تکیه اول ما بر تجربیات معلمان بود و با نظرخواهی از استادان مجرب قرآن و کسانی که در زمینه روخوانی قرآن کار کرده بودند، به یک شیوه نامه مشخصی رسیدیم. برای این که این شیوه نامه وجهه علمی هم پیدا کند، به منابع ضبط که توسط علمای اهل سنت هم نوشته شده اند، و نیز کتاب هایی که علمای جدید نوشته اند، اعم از کسانی که در زمینه کتابت تخصص دارند و کسانی که در مورد روان شناسی آموزش زبان کتاب نوشته اند، مراجعه کردیم؛ نه از این جهت که نکته جدیدی را کشف کنیم، بلکه فقط به این منظور که شیوه نامه تهیه شده، مستند و علمی هم باشد.

گام دوم

بعد از آن، شیوه نامه ها به منظور نظرخواهی، برای استادان مجرب، معلمان قرآن و حوزه که جمع قابل توجهی بودند، فرستاده شد، ولی متأسفانه اظهار نظرها خیلی کم بود و نشان می داد، خیلی ها در این زمینه نظری ندارند. اگر هم اظهار نظری شده بود، خیلی کلی بود. مثلاً یکی از آقایان فرموده بود، خوب است. یکی دیگر فرموده بود، چرا این کار را کرده اید؟ بعضی عمل ما را تا

گذاری قرآن



ما دو قسم کتابت قرآن داریم :
 یکی «رسم المصحف» ،
 دیگری «ضبط» که عبارت است از
 علامت گذاری
 حروف و کلمات قرآن
 و استفاده از
 علاماتی مثل : فتحه ، کسره ،
 ضمه ، سکون ، تنوین ،
 تشدید و ...

کشیده و علائمی چون سکون ، تشدید و ... سخن می گوید .
 از آن جا که در آغاز ، این حرکات و علائم با نقطه هایی
 درشت و در برخی موارد رنگی مشخص می شدند ، در قدیم
 به آن ها «نقط» می گفتند . در روایت مشهوری داریم ،
 حضرت علی (ع) به ابوعسکر بوعلی گفت : «من قرآن
 می خوانم ، هر جایی که کلمه منصوب بود ، روی آن حرف
 یا کنار آن و هر جا مکسور بود ، زیر آن نقطه بگذار .» بنابراین
 علامت گذاری قرآن ابتدا از نقطه گذاری آغاز شد . به همین
 دلیل به آن «نسخ یا نقط» می گویند . در آخر آیه هم علامت
 بزرگ تری می گذاشتند که نشانه پایان آیه بوده است .

تاریخ علامت گذاری

تاریخ علامت گذاری مصاحف به سده اول هجری
 بازمی گردد (زمان خلفا) ، ولی در سده دوم میان مسلمانان
 رواج یافت .

در قرن دوم هجری خلیل احمد دوانیقی ، با الهام از
 شکل حروف ، اشکال جدیدی را برای جایگزین کردن
 نقاط فوق ابداع کرد . به همین خاطر به ضبط ، «شکل»
 هم می گفتند . سپس کسره ، فتحه و ضمه را در حقیقت
 از شکل حروف گرفتند . فتحه از «الف» ، کسره از «ی» و
 ضمه از شکل «واو» گرفته شده است . روش خلیل بن
 احمد از او آخر قرن سوم در عراق که مرکز فعالیت های
 علمی آن زمان بود ، رواج پیدا کرد .

بعد از پدید آمدن دو روش فوق ، دو نظر در مورد
 میزان به کارگیری این علائم به وجود آمد :

نظریه اول

بعضی معتقد بودند ، باید تمام علائم حروف و کلمات
 قرآن مشخص و نوشته شوند . یعنی هر حرفی که در قرآن
 هست ، باید علامت مشخصی داشته باشد ؛ چه ناخوانا ،
 چه خوانا ، و چه مشدد ، ساکن و ... علمای مغرب ، از
 جمله ابو عمرو ، صاحب کتاب «المحکم فی
 نقط المصاحف» از طرفداران این نظر هستند . او از

حد فسق هم کشانند . در هر صورت ، ما از هیچ کدام از
 این نظرات استفاده نکردیم . ما می خواستیم ،
 شیوه نامه ای که عرضه شده است ، یک بررسی علمی
 بشود ، اما متأسفانه نظرهایی که به دست ما رسید ، این
 خواسته را برآورده نکرد . در هر صورت ، کار را به همان
 شکل انجام دادیم تا رسیدیم به همین مصحفی که چاپ
 شده است . حال متنی را برایتان قرائت می کنم که مرکز
 طبع و نشر قرآن کریم آن را تهیه کرده و توسط جمعی از
 استادان بررسی شده است .

علم اعراب گذاری

نخست تاریخچه ضبط و این که کار در ابتدا چگونه
 انجام می شده است ، چه تحولاتی در آن صورت گرفته
 است ، چرا بعدها این علامات به قرآن اضافه شدند و
 وضعیت فعلی علامت گذاری قرآن چگونه است .
 «اعراب گذاری کلمات» عبارت است از علمی که درباره
 علائم و حرکات حروف ، اعم از حرکات کوتاه و حرکات

علمای بزرگ علوم قرآنی است که در بسیاری از مسائل از جمله رسم المصحف، صاحب تألیف و نظر است و روش استفاده از علامات برای همه حروف را قبول دارد. ایشان می گوید، هدف از رسم مصاحف، تصحیح قرائت و ادای صحیح حروف است تا به این ترتیب، قرآن همان طور منتقل شود که از سوی خداوند نازل شده است. از پیامبر (ص)، صحابه و اهل فن نقل شده است، حق هر حرف باید ادا شود و حرکت، سکون، تشدید، مد و... باید نوشته شوند و نباید فقط به نوشتن برخی از این علائم اکتفا شود. در قرن معاصر هم دو مصحف «امیری» که در مصر و «عثمان طه» که در مدینه چاپ شده اند، مطابق نظر ابو عمرو هستند. آن ها سعی کرده اند برای هر حرفی یک علامت بگذارند.

نظریه دوم

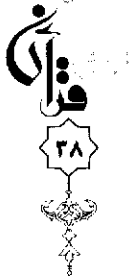
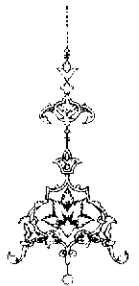
نظر دیگر در مورد میزان استفاده از علائم است. طرفداران این نظر، بنا را بر اختصار می گذارند و می گویند، فقط باید از علائمی استفاده کرد که نبود آن ها باعث اشتباه در قرائت می شود. یا به حرکات آخر کلمات که نشان دهنده نقش کلمه است، اکتفا می کنند. برخی از طرفداران این نظر عبارتند از:

■ ابو حاتم شیبستانی، متوفی به سال ۲۵۵ هجری. او می گوید، بنای ضبط علامت گذاری بر اختصار است؛ چرا که اگر بنا باشد خطاطان آن چنان که باید نقطه گذاری کنند، خط قرآن تباه و ناخوانا می شود.

■ ابن ملاح، متوفی ۳۲۴ هجری که یکی از علمای بزرگ قرائت است، در این باره می گوید: «شکل برای رفع اشکال به کار می رود و چنین نیست که روی هر حرف علامتی قرار گیرد، بلکه فقط روی حرفی علامت قرار می گیرد که اگر علامت نداشته باشد، طرز خواندن آن مشخص نمی شود. اگر تمام علائم حروف کلمه ای مشخص شوند، آن کلمه به راحتی خوانده نمی شود و این کار خوبی نخواهد بود؛ چرا که علائم برخی حروف،

حروف دیگر را از حرکت بی نیاز می کند.» دیگران هم تا قرون ۳ و ۴ این نظر را داشتند. مثلاً مردم عراق از مد، تشدید و سکون استفاده نمی کردند. بنابراین این طور نبود که مصاحف از همان اول با علامت نوشته شده باشد. البته نظر دوم، نظر اهل مشرق و به خصوص اهل عراق است. اکثر بزرگان این نظر، اهل عراقند و مردم نیز تابع ایشان بودند و روشن است که مردم هر منطقه تابع علمای همان منطقه هستند. برای مثال، مردم عراق از علائمی چون مد، تشدید و سکون استفاده نمی کردند و حروف ساکن، مشدد و ممدود را بدون علامت به کار می بردند. همان طور که گفته شد، دو نظر در مورد میزان به کارگیری علائم وجود دارد. وجه مشترک این دو روش آن است که هر دو بر صحت قرائت و آسان کردن آن تأکید دارند. وجه اختلاف آن ها نیز این است که گروه اول دیدی افراطی در مورد میزان به کارگیری ضبط داشتند، ولی گروه دوم میزان استفاده از حرکات را دلیل سهولت یا

بعضی معتقد بودند،
باید تمام علائم حروف و
کلمات قرآن مشخص
و نوشته شوند.
یعنی هر حرفی که در قرآن
هست، باید علامت مشخصی
داشته باشد؛ چه ناخوانا،
چه خوانا، و چه مشدد،
ساکن و...



«اعراب گذاری کلمات»

عبارت است از علمی که درباره علائم

و حرکات حروف، اعم از

حرکات کوتاه و حرکات کشیده

و علائمی چون سکون،

تشدید و... سخن می گوید.

از آن جا که در آغاز، این حرکات

و علائم با نقطه هایی درشت

و در برخی موارد رنگی

مشخص می شدند،

در قدیم به آن ها «نقط» می گفتند

سختی قرائت می دانستند.

در حال حاضر هم شیوه های متفاوتی در کشورهای

گوناگون وجود دارند که ما آن ها را به شیوه های مصری،

ترکی، هندی و ایرانی تقسیم کرده ایم. طبق بررسی ها،

تقریباً هیچ کدام از این شیوه ها مستندات خاصی ندارند،

مگر همان روش عثمان طه و پیروانش. بقیه روش ها

معمولاً تأثیر هنر خوشنویسان است.

مقایسه شیوه ها

مقایسه شیوه های علامت گذاری نشان می دهد که

کلمه «یاها مان» در خط طاهر خوشنویس (ایرانی) و خط

کردی، به یک شکل نوشته شده است، ولی شیوه

علامت گذاری آن ها فرق می کند. در شیوه ایرانی، در

کنار الف یک الف مقصوره گذاشته شده است، یعنی

«یاها ما'ن». در شیوه ترکی قبل از الف یک فتحه

گذاشته شده است.

در کلمه «بصیرون» در شیوه ایرانی، الف مقصوره

زیر حرف «ی» قرار گرفته است، ولی در شیوه ترکی قبل از «ی». در شیوه هندی روی حرف «ی» سکون و زیر حرف «ص» کسره قرار دارد، ولی در مصحف عثمان طه حرف «ی» بدون علامت است و زیر حرف «ص» کسره قرار دارد. بنابراین چهار شیوه علامت گذاری وجود دارد، ولی خواننده باید به یک شیوه بخواند.

همچنین در کلمه «فی» در شیوه های ایرانی و ترکی، زیر حرف «ی» الف مقصوره گذاشته شده است، ولی در شیوه هندی زیر حرف «فاء» کسره و روی حرف «ی» سکون، و در قرآن عثمان طه زیر حرف «فاء» کسره قرار دارد و حرف «یاء» بدون علامت آمده است.

کلمه «بھی» در شیوه ایرانی دو صورت دارد: طاهر خوشنویس زیر حرف «هاء» کسره گذاشته است، ولی نیریزی الف مقصوره، که خواندن آن آسان تر است. در شیوه ترکی و هندی مانند نیریزی، زیر حرف «هاء»، الف مقصوره گذاشته شده اند. ولی در شیوه مصری که به خط عثمان طه است، زیر حرف «هاء» کسره و بعد از آن در کنار کسره «ی» برگردان آمده است.

در همه این روش ها، این کلمه باید بهی خوانده شود. می بینیم که شیوه های متفاوتی وجود دارند. گاهی در یک منطقه مثل ایران دور روش و بعضاً سه روش وجود دارد.

بعضی از آیات نیز نشان دهنده تنوع اعراب گذاری در کشورهای اسلامی هستند، مانند «إِنِّي رَسُولٌ مِنَ الْعَالَمِينَ» خط ایرانی خط نیریزی است و اختلافات زیادی در آن وجود دارد. نیریزی در کلمه «رَسُولٌ»، روی حرف «س» یک ضمه گذاشته و در خط ترکی هم تقریباً به همین صورت است. در شیوه هندی که البته در بعضی از مناطق ایران مثل سیستان و بلوچستان هم تداول داشته است، روی حرف «و» علامت سکون قرار گرفته است و روی حرف «س» ضمه. «رَسُولٌ» در روش عثمان طه هم از شیوه متداول در ترکیه تبعیت کرده است. در مورد ادغام و نشان ندادن آن، مانند «مَنْ رَبِّه»، در شیوه ایرانی روی حرف «ن» سکون قرار گرفته است

و حرف «ر» فقط فتحه دارد. در ترکی هم دقیقاً به همین شیوه است. اما در شیوه هندی روی حرف «ن» ساکن و روی حرف «ر» فتحه و تشدید قرار گرفته است. عثمان طه برای این که نشان بدهد در این جا ادغام صورت می گیرد، حرف «ن» را بدون ساکن، ولی حرف «ر» را با تشدید و فتحه نوشته است.

مورد دیگر «العالمین» است، حرف الف که در وصل خوانده نمی شود، در شیوه ایرانی بدون علامت نوشته شده و در ترکی و هندی نیز همین طور است. ولی در شیوه مصری یک «ص» کوچک که نشان دهنده وصل است، روی آن گذاشته می شود که نشان می دهد، الف در هنگام وصل خوانده نمی شود. و در کلمه «ما» در شیوه ایرانی قبل از «الف»، الف مقصوره، ولی در شیوه ترکی فتحه آمده است. در شیوه هندی هم به همین صورت و شیوه مصری هم از حرکت فتحه استفاده کرده است.

علائم زائد

با مقایسه این شیوه ها مشخص می شود، ضبط در آغاز یک روش مشخص نداشته است و امروزه هم روش های متفاوتی را در علامت گذاری شاهد هستیم. متأسفانه این تنوع شیوه مخصوصاً نزد خطاطان ایرانی رواج بیش تری دارد و هر خوشنویس به هر شیوه ای که تمایل دارد، قرآن را علامت گذاری می کند.

به همین دلیل، در مرکز طبع و نشر قرآن کریم تصمیم گرفته شد، ضمن بررسی شیوه های متفاوت در کشورهای مختلف اسلامی و کشور خودمان، موارد نقص برطرف و از نکات مثبت آن ها استفاده کنیم. با توجه به تجربیات ارزشمند معلمان و استادان قرآن به این نتیجه رسیدیم که یکی از مشکلات نوآموزان قرآن کریم، حضور بعضی از علائم زائد در قرآن های رایج است. علائمی که گاهی مخصوص یک قرآن خاص هستند، نه تنها موجب آسانی قرائت نمی شوند، بلکه خواندن آن را برای عموم مردم به ویژه مبتدیان مشکل می سازند.

نظر دیگر در مورد میزان استفاده

از علائم است.

طرفداران این نظر، بنا

را بر اختصار می گذارند و

می گویند، فقط باید از علائمی

استفاده کرد که نبود آن ها

باعث اشتباه

در قرائت می شود. یا به

حرکات آخر کلمات

که نشان دهنده نقش کلمه است،

اکتفا می کنند

پیشنهاد ضبط جدید

بنابراین، محققان مرکز پس از بررسی اکثر شیوه های رایج در ضبط کلمات در این قرآن ها و ارزیابی علائم و حرکات اصلی آن ها در فرایند قرائت قرآن کریم، به این نتیجه رسیدند که تنها برخی از علائم با قرائت صحیح قرآن کریم ارتباط دارند. از این رو، به منظور هماهنگ ساختن کتابت قرآن کریم با قرائت آن، براساس نتایج تحقیقات، ضبط جدید پیشنهاد شد. ذکر این نکته لازم است که در هر شیوه ضعف هایی وجود دارند که نمی توان آن ها را به خوبی نشان داد.

در تحقیقات به کلماتی رسیدیم که با هر شیوه علامت گذاری، بدون تذکر و آموزش استاد، قرائت آن ها آسان نیست. بنابراین این گونه کلمات را که تعداد آن ها زیاد هم نیست، به حال خود گذاشتیم و نخواستیم برای این روش جدید تبصره یا استثنا قائل شویم.



البته در بعضی لغات ممکن است عدم وجود علامت سکون باعث اشتباه شود. این مسأله هم با آموزش صحیح در مصحف جدید رفع می‌شود. با بررسی‌هایی که در مرکز انجام گرفت، معلوم شد که حذف سکون مشکلی ایجاد نمی‌کند، مگر در چند کلمه مشخص که برای آن‌ها هم راه‌حل‌هایی پیشنهاد شده است.

علائم بکار رفته

علائم و حرکاتی که در ضبط این مصحف شریف مورد استفاده قرار گرفته‌اند، عبارتند از: فتحه، کسره و ضمه، مثل «کُتِبَ»، و تنوین‌ها مانند: «کبیر»، «رحیماً» و «غفوراً». تنها تفاوت در نوشتن تنوین این است که در ادغام و اخفاء هم تنوین به صورت معمولی نوشته شده است. در این مصحف، از الف کوتاه یعنی همان الف مقصوره نیز استفاده شده است. مانند کلمه «هذا». البته در همه روش‌ها چنین است و اختلافی در این باره وجود ندارد. علامت تشدید هم در موارد معمول مانند کلمه «الرَّحْمَان» نوشته می‌شود؛ البته در ادغام این علامت نوشته نمی‌شود.

از علامت همزه نیز استفاده شده است، مانند کلمه «لَوْلَوْ». تقریباً در تمام مصاحف، همزه به کار رفته است.

از یک «واو» کوچک نیز برای نشان دادن اشباع در حرکات استفاده می‌شود. مثلاً کلمه «داود»، در بعضی از مصاحف با دو «و» نوشته شده و در بعضی «و» برگردان روی «و» گذاشته شده است. در بعضی نیز به صورت صحیح و در برخی، علامت مدروی آن گذاشته شده است؛ یعنی باید کشیده خوانده شود. ما تقریباً در این مورد از شیوه عثمان‌طه استفاده کرده‌ایم. یعنی داود را نوشته‌ایم و کنار «و» یک «و» کوچک قرار داده‌ایم تا نشان بدهیم، حرف با حرکت کشیده خوانده می‌شود. کلمه‌ای مثل «أَمِين» در قرآن‌ها معمولاً با یک «ی» نوشته می‌شود. در بعضی مصحف‌ها به کسره‌ای در زیر «ی» اکتفا شده است و در بعضی از مصاحف، از جمله

در ضبط کلمات این

مصحف شریف، نسبت به

مصاحف رایج در سراسر کشورهای

اسلامی،

از جمله مصحف قاهره و مدینه

که در حال حاضر الگوی بسیاری از

خوشنویسان هستند،

به میزان یک سوم کم‌تر علامت داریم.

در هر صفحه حدوداً ۲۰۰

علامت حذف شده، در حالی که

آسیبی بر قرائت و روان

خوانی وارد نشده است

در مصحف جدید، فقط علائم حروفی که حرکت دارند، مشخص شده‌اند. برای سایر حروف علامت خاصی در نظر گرفته نشده است. مثلاً در کلمه «کُتِبَ» برای هر سه حرف حرکت مشخص شده، ولی در «فَلَا يَكُتِبُ» فقط برای حروف متحرک حرکت مشخص شده است. در بسیاری از کلمات قرآن نیازی نیست همه حروف حرکت داشته باشند، بلکه بسیاری از حروف با کمک حرکت حرف پیش از خودشان خوانده می‌شوند. حرف سکون در برخی از قرآن‌های موجود از جمله مصحف مدینه به خط عثمان‌طه، بدون علامت آمده و برای قاریان و نوآموزان مشکلی ایجاد نکرده است. در حذف حرکت سکون که مخالفت‌های زیادی هم داشته، در قرآن عثمان‌طه مشکلی ایجاد نشده است، مانند کلمه «أَنْتُمْ» با این که حرکت سکون روی «ن» گذاشته نشده است، ولی مشکلی هم در خواندن آن به وجود نمی‌آید.

مصحف عثمان طه، روی حرف «ی» از یک «ی» برگردان کوچک استفاده شده است.

درباره کلمه «بھی» که کسره به صورت اشباع خوانده می شود، شیوه های متفاوتی وجود داشت؛ بعضی با کسره در زیر حرف هاء و بعضی دیگر الف مقصوره را در زیر حرف هاء آورده اند. عثمان طه در زیر حرف هاء کسره و در کنار آن از «ی» برگردان استفاده کرده است. ما کسره را حذف کردیم، ولی «ی» کوچک برگردان را به کار بردیم. البته حالت های گوناگون نشان دادن اشباع خیلی متنوع است.

علائم غیر مؤثر

علائم و حرکات غیر مؤثر در قرائت (منظور از قرائت، روخوانی قرآن است) که در ضبط بعضی از قرآن ها به کار رفته اند، ولی در این قرآن به کار نرفته اند، عبارتند از:

۱. **علائم انواع حرکات کشیده:** در تمام مصاحف و شیوه های موجود، در کنار حرکات کشیده، یک علامت کمکی آمده است. این علامت کمکی یا حرکت کوتاه است، یا در مورد صدای کشیده الف مقصوره، مثلاً کلمه «اوذینا» که در مصاحف گوناگون برای صدای «و»، در کنار یا روی آن، حرکت ضمه قرار داده اند و برای «ی»، یک الف مقصوره یا کسره در زیر آن آمده است. در شیوه هندی هم روی «ی» علامت سکون آمده است. برای الف هم، قبل از آن الف مقصوره یا فتحه قرار گرفته است.

به این نتیجه رسیدیم که هیچ کدام از این علائم ضرورت ندارند و در مصحف ما هیچ کدام از این علائم نوشته نشده اند. البته یک استثنا داریم: این علائم با همزه وصل حذف نشده اند. کلمه اذا اگر به همین صورت کشیده خوانده شود، حرف ذال بدون علامت است، ولی در موردی مانند «إذا الجبال»، روی ذال فتحه قرار گرفته است. علامت حرف ساکن به طور کل حذف شده است.

۲. **علامت حرف همیشه ناخوانا:** در قرآن بعضی حروف همیشه ناخوانا هستند. در برخی قرآن ها، برای این موارد از علائم خاصی استفاده نشده است، مثل کلمه «الشیء» که به صورت شای نوشته می شود و الف آن همیشه ناخوانا است. در برخی از شیوه ها، روی الف از علامتی استفاده می شود که ما آن علامت را حذف کرده ایم.

۳. **علائم حروف گاهی ناخوانا:** مثل کلمه «أنا» که اگر وصل شود، «أنا» و اگر وصل نشود، «أنا» خوانده می شود. الف آن به هنگام وقف خوانده می شود. عثمان طه برای این الف هم علامت خاصی گذاشته است که ما آن را حذف کرده ایم.

۴. **در همزه وصل، علامت «ص»** کوچک حذف شده است. البته ما همزه وصلی را که در ابتدای آیه یا ابتدای جمله می آید، و بعد از علامت وقف «ص» قرار گرفته است، به صورت فتحه نوشتیم؛ مثل «فیه هدی للمتمتین آلذین».

۵. **همزه زیر یا روی الف:** آن را نیز حذف کرده ایم.
۶. **حذف علائم تجویدی،** به جز مد؛ مانند ابدال، ادغام، اخفا و اظهار. علامت مد را به دو دلیل حذف نکردیم: دلیل اول این که از این علامت در همه مصحف ها و شیوه های موجود استفاده شده است. نظرمان این بود که اگر علامتی در همه شیوه ها وجود دارد، حذف نشود. دلیل دوم این که علامت «مد» در قرائت قرآن هم به نوعی مؤثر است. همان طور که در نماز هم فقها حکم می دهند، «والضالین» باید کشیده خوانده شود.

با توجه به مواردی که ذکر شد، ما در ضبط کلمات این مصحف شریف، نسبت به مصاحف رایج در سراسر کشورهای اسلامی، از جمله مصحف قاهره و مدینه که در حال حاضر الگوی بسیاری از خوشنویسان هستند، به میزان یک سوم کم تر علامت داریم. در هر صفحه حدوداً ۲۰۰ علامت حذف شده، در حالی که آسیبی بر قرائت و روان خوانی وارد نشده است. البته هر شیوه، به آموزش مختصری احتیاج دارد و شیوه فعلی هم توسط جناب آقای سیف آموزش داده می شود.

